

آبگرمکن، یخچال، فریزر، اجاق گاز و اشیای بلند و بسیار سنگین باید با بست یا تسمه‌های مناسب به کف و دیوار منزل محکم شوند.

چند خبر
هیجان انگیز
به بهانه
۹۰ سالگی



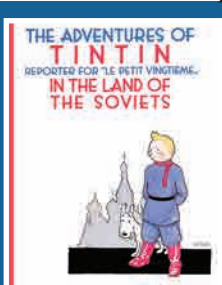
۹۰ سال از خلق «تن تن» می‌گذرد. طرفداران این کاراکتر در ایران و بقیه کشورهای به همین مناسبت برنامه‌های ویژه‌ای در نظر دارند. مثلاً کتابفروشی «دور دنیا» تصمیم گرفته همه کتاب‌های مرتبط با «تن تن» را تا فردا با ۲۰ درصد تخفیف بفروشد. ناشر اصلی آثار «تن تن» هم می‌خواهد نسخه جدید رنگی، دیجیتالی و سه‌زبانه «تن تن در کنگو» را منتشر کند. بنیاد هرزه هم برنامه‌های مختلفی دارد: انتشار مجموعه‌ای از ماشین‌های تن تن در فرانسه و بلژیک، افتتاح نخستین فروشگاه تن تن در شانگهای، ضرب یک سکه ۵ یورویی به یاد تن تن، انتشار سریالی مستند و یادگست‌هایی از فیلم سه‌بعدی اسپیلبرگ در سال ۲۰۱۱.

گفت‌وگو «شهروند» با حمیدرضا جبار پور ۲۲ ساله که پیچ TINTIN_COMICS را با ۱۳۳ فالوئر می‌چرخاند

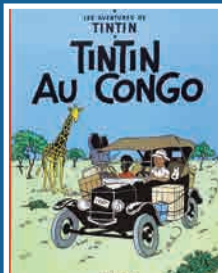
«تن تن» زندگی من است

خواندن و نوشتن را مدیون تن تن ام
بخش قابل توجهی از مخاطبان صفحه، غیر فارسی‌زبان‌اند
ما از تن تن یاد گرفتیم که محکم باشیم و زندگی بهتری برای خودمان بسازیم
روزی ۲ ساعت برای صفحه وقت می‌گذارم
تبلیغات به هیچ عنوان در این پیچ انجام نمی‌شود

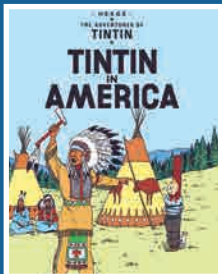
ریما محمدزاده | شاید برای آنها که طرفداران پرو پاقرص تن تن‌اند و صفحه این کاراکتر را در اینستاگرام دنبال می‌کنند، جالب باشد که بدانند ادمن این پیچ، حمیدرضا جبار پور، ۲۲ ساله، کارمند شرکت نفت سپاهان است. او از سال ۹۴، TINTIN_COMICS را راه انداخته و صفحه‌اش به یک منبع معتبر در اینستاگرام تبدیل شده؛ به طوری که بسیاری از دنبال‌کنندگان متعلق به کشورهای دیگری غیر از ایران‌اند. پیچ حمیدرضا که از تن تن‌بازهای دو آتشه است، ۱۳ هزار فالوئر دارد. او روزی ۲ ساعت برای صفحه‌اش وقت می‌گذارد، اما تمام لحظات زندگی‌اش با تن تن است: حمیدرضا با تن تن بیدار می‌شود، با تن تن سر کار می‌رود، با تن تن جای می‌نشیند و با تن تن به خانه می‌آید. برای همین هم هست که همیشه توی کیفش تن تن پیدا می‌شود و هر کدام از کتاب‌ها را صدها بار خوانده. همه سعی و تلاش حمیدرضا زنده نگاه داشتن یاد تن تن و کاراکترهای آن است.



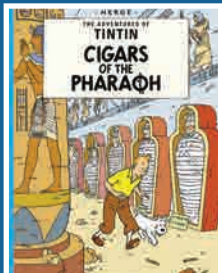
تن تن در سرزمین شوراه ۱۹۳۰



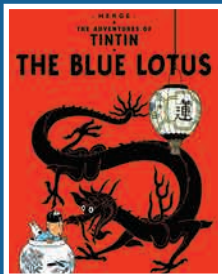
تن تن در کنگو ۱۹۳۱



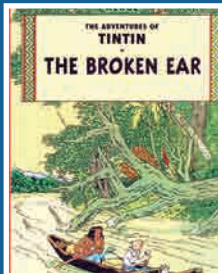
تن تن در آمریکا ۱۹۳۲



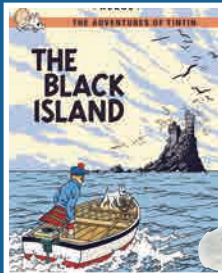
سیگارهای فرعون ۱۹۳۴



گل آبی ۱۹۳۶



کوش شکسته ۱۹۳۷



جزیره سیاه ۱۹۳۸

دلیل جذاب بودن این کتاب، نقاشی‌ها، دیالوگ‌ها و شخصیت‌های بسیار جذاب اونه که فکر نکنم هیچ کتابی بتونه جاشو بگیره.

جذاب‌ترین سری؟
همه کتاب‌ها برام جذابن. هر کدام از طرفدارا به یه عنوان علاقه دارن. من کتاب «اسب شادخار» رو انتخاب می‌کنم که اوج نقاشی و دیالوگ‌های زیبای هرزه است.

جذاب‌ترین کاراکتر؟
سوال سختیه. به نظرم کاپیتان هادوک جذاب‌ترین کاراکتر این کتابه.

چرا؟
اون شخصیتی جذاب، پراثری، مهربان و البته عصبانی داره. اوج شخصیت هادوک زمانی مشخص میشه که در کتاب «معد خورشید» زمانی که پروفیسور تورنسل رو می‌بازند با این که هادوک همیشه باهاش کل کل می‌کرد، اما خیلی ناراحت میشه و حتی شب‌ها خوابش نمی‌بره تا زمانی که پروفیسور تورنسل رو نجات دادن.

تن تن در یک جمله؟
زندگی؛ زندگی و کودکی من و تمام آدم‌هایی که توی این پیچ هستن در تن تن خلاصه شده.

به کم خیال‌پردازی کنیم: اگه تن تن همین الان جلوت ظاهر می‌شد، اولین جمله‌ات بهش چی بود؟
بهش می‌گم مرسی که در زمان کودکی ما بودی؛ مرسی که در زمانی که کمتر کتابی بود که منو بخندونه بودی؛ مرسی که همه زندگی منو تحت تأثیر قرار دادی؛ مرسی چون من خوندن و نوشتن رو از تو یاد گرفتم.

آخر تن تن به کجا می‌رسه؟
کتاب‌های تن تن هیچ وقت تموم نمیشه. داستان این کتاب همیشه برای مخاطب‌هاش زنده می‌مونه.



دلیل محبوبیت این پیچ، همدل بودن با طرفداران است

داریم.
تن تن تویی ایران
قدرت طرفدار داره؟
تن تن در ایران طرفداران زیادی داره؛ چون این کتاب‌ها جزو اولین کتاب‌های کمیک در ایرانه. معمولاً طرفداران این کتاب‌ها سن بالای ۳۵، ۴۰ دارن. تن تن در ایران جزو محبوب‌ترین شخصیت‌هاست.
وقتی از یه تن تن‌باز حرفه‌ای حرف می‌زنیم، از چه کسی حرف می‌زنیم؟
تن تن‌باز حرفه‌ای فردیه که همه زندگیش با تن تن گره خورده. روزی نیست که من به جلد کتاب تن تن نخونم؛ جایی نیست که برم و توی کیفم کتاب تن تن نباشه. کلا توی خونه و اتاقم عکس و اکشن فیگورهای تن تنه. فکر کنم هر جلد کتاب تن تن رو بالای ۱۰۰۰ بار خوندم و تمامی تصاویرش توی ذهنم هست.
کدوم تصویر برات پُررنگ‌تره؟
وقتی در «گنج‌های راکهام» کاپیتان هادوک شیرجه می‌زنه برای پیدا کردن گنج، اما چیزهای دیگه‌ای پیدا می‌کنه.
حمیدرضا! به نظرت چرا تن تن بعد از گذشت این همه سال هنوز جذابیت داره و با نسل‌های بعد از خودش هم ارتباط برقرار می‌کنه؟

محتوای پیام‌ها؟
بیشترش عکس بچه‌های طرفداران تن تنه که دارن تن تن می‌خوانن؛ یا مثلاً عکس و فیلم‌هایی که توش تیشتر تن تن پوشیدن یا دارن رفتارای شخصیت‌های تن تن رو انجام میدن.
کاربرانی از دیگر کشورها هم برای رفرنس دادن به تن تن در اینستاگرام صفحه تو رو تگ می‌کنن. این اعتماد چطور به دست اومد؟

این پیچ طرفداران خارجی قابل توجهی داره. دلیل محبوب بودن صفحه، همدل بودن پیچ با طرفدارانه، چون ۹۰ درصد فعالیت TINTIN_COMICS در مورد تصاویر و متن‌های کتاب‌های تن تنه. همین مسأله این پیچ رو برای همه جذاب کرده. در ضمن، به هیچ عنوان تبلیغات در این پیچ انجام نمی‌شه.

خارجی‌ها وقتی متوجه می‌شن که پیچ رو به ایرانی مدیریت می‌کنه، چه واکنشی دارن؟
من با پیچ تن تن تویی در تماسم. اونها از فعالیت من خوشحالن و تشکر می‌کنن. ما فقط دنبال جلب رضایت طرفداران تن تن بودیم، نه چیز دیگه‌ای. مدام سعی کردیم شخصیت‌ها رو براشون زنده نگه

چی شد که صفحه TINTIN_COMICS رو راه انداختی؟
بعد از این که با اینستاگرام آشنا شدم و دنبال پیچ‌های مورد علاقه‌ام رفتم، دیدم هیچ پیچ تخصصی در مورد تن تن وجود نداره و به فکر افتادم این پیچ رو راه بندازم و داخلش تصاویر و خلاصه‌های تن تن رو بذارم. از سال ۱۳۹۴ استارت این کارو زدم.

علاقه به تن تن از کجا اومد؟
علاقه من مثل همه دوستان ایرانی و خارجی که توی پیچ هستن، از مدت‌ها قبل شروع شده و تا الان هم ادامه داره. من با این کتاب‌ها مثلاً «تن تن در آمریکا» یا «تن تن در کنگو» فهمیدم دنیای خیلی بزرگی وجود داره که اصلاً از ش خبری نداشتم.

این «دنیای بزرگ»ی که تن تن به تصویر می‌کشه، چه ویژگی‌هایی داره؟
دنیایی که به آدم یاد میده محکم باشی و زندگی بهتری بسازی.
قدرت برای صفحه وقت می‌گذاری؟
روزی ۲ ساعت.
چه بازخوردهایی گرفتی؟
هر هفته پیام‌های جالبی از کسانی که علاقه زیادی به تن تن چه در ایران چه در خارج دارن به دستم میرسه.

بابام هم تن تن باز بود
اولی اسمش رومینا است، از آنجا که از رفقای قدیمی‌ام است، می‌دانی بیست سال داره، دانشجوی مغز و اعصاب است و به وقت دو صبح از تورنتو با من حرف می‌زند: «بابام تن تن باز بود، هفت هشت ساله بودم که برام نیلوفر آبی رو خرید. بیشتر کتابای تن تن رو وقتی رقتیم کاناوا به انگلیسی و فرانسه خوندم. کتاب خوندن رو با تن تن شروع کردم. برام جذاب بود چون لزومی به تصور کردن چیزی نبود، جزئیاتی مثل زمین خوردن یا حتی عطسه کردن، همه چیز پخته و پرداخته شده بود.» رومینا این طور ادامه میده که «کاراکتر مورد علاقه‌ام ناخدا هادوک، خود تن تن به نظر من شخصیت چندان پیچیده‌ای نداره اما هادوک به خاطر عصبانیت‌هاش، بددهنیش یا عادتهایی که داره واقعی‌ترین و دوست‌داشتنی‌ترین کاراکتر تن تنه. فرار از شوری رو کمتر از همه کتاب‌های تن تن دوست دارم؛ به خاطر نوع تصویرسازی متفاوتش و گنج‌های راکام سرخ‌پوش به نظر من جذاب‌ترین کتابشه.» حس می‌کنه هرزه باعث یک علقه بین نسلی شده و زمانی که تن تن می‌خواند با پدرش صمیمی تر بوده.

به «نستور» سلام می‌رسانم
محمدطاهر بیست و یک ساله است، دانشجوی هوا-فضای امیر کبیر بوده اما انصراف داده و الان تکنولوژی آموزشی می‌خواند. توی مدرسه ریاضی درس می‌دهد و از آن تن تن‌بازهای کار کشته و حاذق است، مثل این که امروز با رفیقش راهی گالری هدایت می‌شود برای دیدن کلکسیون تن تنی و ذوق زده به نظر می‌رسد. اولین بار وقتی چهار ساله بوده پشت و پتینه‌هاش رو از کتاب‌های تن تن رادیده و وقتی هفت ساله بوده برایش سرزمین طلای سیاه را کادو خریده‌اند. هنر الفبا را لوس‌ترین کتاب تن تن می‌داند و از کشتی اسب‌شاخدار به نظرش جذاب‌ترین کتاب ماجراهای تن تن است. میلو را خیلی دوست داره و صحنه مواجه شدن میلو با وجود شیطان‌اش را به یادماندنی‌ترین صحنه ماجرا می‌داند: «من ماجراجویی رو از تن تن یاد گرفتم، حتی دبستانی که بودم به خاطرش به فضای کار آگاهی و اکتشافی درست شده بود. تن تن نود ساله شد اما من هیچ وقت شکاف نسلی بین خودم و هرزه حس نکردم. یا هیچ وقت درصدی فکر نکردم که این داستان برای من و امثال من نیست، فقط مواجه شدم و لذت بردم و در آخر به نستور سلام می‌رسونم.»

میلو و سوسه استخوان
یزان هفده ساله دانش آموز است. او با «تن تن» در پیش دبستانی آشنا شده و می‌گوید با این کاراکتر قد کشیده است. شخصیت مورد علاقه‌اش کاستافور است و نیلوفر آبی را از همه بیشتر دوست دارد. برای یزدان نفرات انگیزترین کاراکتر «تن تن» دکتر مولر است. یزدان می‌گوید: «تن تن فقط یک کتاب برای بچه‌ها نیست، تن تن یک فرهنگه که از جغرافیا گرفته تا تاریخ و مردم‌شناسی رو توی خودش گنجونده، جایی خونده بسودم که هرزه اطلاعاتش رو راجع به فرهنگ‌های مختلف مردم توی روزنامه می‌خونده، پس یه جورایی میشه فهمید و نتیجه گرفت که توی اون دوران روزنامه‌های بلژیکی چطور در مورد شرقی‌ها یا خاخر جیامی نوشتن و همین طور این داستان نمونه واقعی زندگی یک بلژیکی که نشون میده فردا این نژاد و فرهنگ چطور توی اون زمان فکر می‌کرده مثلاً در مورد حقوق حیوانات چطور شرایط اقتضا می‌کرده می‌شه مقایسه کرد با الان و یا زاویه دیدمشون به خارجی‌ها چه شکلی بوده و از این منظر برریش حتی جالب به نظر می‌رسه.» یزدان با یک جمله خطاب به میلو صحبت‌هایش را تمام می‌کنه: «دیکه هیچ وقت به خاطر استخوان تن تن رو فراموش نکن.»

«شهروند»
از جذابیت «تن تن»
نودساله برای دهه هفتادی‌ها
و هشتادی‌ها گزارش می‌دهد
عالیه
مثه خودته

القصه که بابا مرا فرستاد جلوی یک قفسه‌ای، بیخ تا بیخ کتاب چیده بودند و بالای همه‌شان هم نوشته شده بود «ماجراهای تن تن»، دستی به ریشش کشید و گفت از بین اینها یکی را بزن زیر بغلت برویم حساب کنیم. من هم «تن تن» و ستاره اسرار آمیز» را از لای باقی کتاب‌ها کشیدم بیرون و راه افتادیم سمت صندوق. توی راه هم تعریف کرد که برادر بزرگش برای یک بار قرض دادن همین کتاب به او حسابی استعشار کرده و او هم ناگزیر تا می‌توانسته باج داده و از این جور حرف‌ها. نمی‌دانم از کجا بش برای ایتان بگویم اما از آن روز دیگر هیچ واقعه‌ای در زندگی من «تن تن» خواندن را رقیب نبوده و نخواهد بود. چشمتان روز بد نبیند، اگر می‌آمدند خانه و یک جلد «تن تن» برام نمی‌خریدند، قیامتی راه می‌انداختم که بیا و ببین. از خروس خوان صبح «تن تن» می‌خواندم تا آلاه شب. فرقی نمی‌کرد کجا، میهمانی می‌رفتم کلام توی کتاب بود، معلم ناشی، مالایطاق علوم درس می‌داد، زیر میز با ولج ناک‌ترین حالت ممکن «تن تن» ورق می‌زد، از بیماری داشتم جان می‌داد، از تب داشتم می‌مردم اما این اشتیاق دیوانه‌وار به خواندن ممکن بود مرا و حشیا نه‌تر از بیماری بکشد. خلاصه این اعتبار خانمان سوز من تا امروز که بیست سالم است و حقوقی می‌خوانم کم توی زندگی‌ام اثر نکرده است. مبرهن ترینش هم همین متن است که تاریخ نگارشش درست شب لعنتی‌ترین امتحان قواعد فقه دنیا است. این رویای خیر نگارش من هم از گور همین «تن تن» بلند می‌شود. چه شب و روز‌هایی که به عشق این «تن تن» با ریکورد و دوربین دویدم و سر پا ایستادم و پای صدمین یک‌انگشت‌تسمه‌ام این کجا و آن کجا... به بهانه جشن ۹۰ سالگی «تن تن» رقتیم سراغ دهه هفتادی‌ها و هشتادی‌ها تا ببینیم ماجرای دل‌بستگی‌شان به «تن تن» نودساله چیست.

